

منطق استقرا با ویرایشی تازه، عضو سامان راهبردی منطق‌های پیشاتفسیری

رضوانه دستجانی^۱

چکیده

مرسوم سنت تفسیری جریان‌های پیشین تفسیر، به تبع منطقیان و فیلسوفان مسلمان، مصروف تضعیف استقراء و اهمیت قیاس و تحکیم تجربه از مجرای آن بوده است. بدین‌روی، منطق استقرا در الگوی روش‌شناسی تفسیر، چندان جایی نداشته است و بدین‌سان، دیالکتیک نظر و عمل از قوام لازم در پیونددهی ساحت استنباطی - استنتاجی با ساحت استنتاجی - استنباطی نداشته است. اندیشمندانی چونان جناب علامه شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب مبانی منطقی استقراء، در گذار از کوشش‌های منطقیان و فیلسوفان پیشین، بنیانی نو، استوار و پایدار برای فصل دانش تجربه‌پذیر اندیشه جامع دین‌شناخت، مهیا می‌دارد و در نمونه اثر نظام‌پژوهی خویش یعنی اقتصادنا، کارکرد این ترکیب راهبردی دو منطق قیاس و استقرا را نشان می‌دهد. آن اندیشمند ارجمند، با عزیمت از منطق فلسفه ارسطویی در مسئله استقرا، مبانی دیگری را برگرفته از علم اصول، به تحکیم نوآمدهی از کارکرد منطق استقرا همت می‌ورزد تا مبانی منطقی آن، دستخوش آسیب‌های مبانی منطقی استقرای ارسطویی نباشد. خاستگاه کلان معرفت‌شناخت آن ارجمند، فصل روان‌شناسی معرفت است. در تحلیل وی، بیشتر مردمان، به کثیری از تعمیم‌های استقرایی، علم یقینی دارند و این یقین را، خود، ادعایی استقرایی معرفی می‌کنند. در این میان، کارکرد منطق سیستمی در مناسبات استقرا و قیاس، تأکید بر آن دارد که در متن این ترکیب راهبردی و ناظر به دامنه نظریه و عرصه پژوهش، فصل مناسبات رفت‌وشدی و ترکیبی میان اجزای مجموعه مورد بررسی مدنظر باشد. تصویر علامه صدر از رشد علم نیز، تصویری استقرایی است و در این راستا، بر نقش تئوری‌ها در علم تأکید می‌نماید. مقاله پیش رو، کوشش آن را دارد که با مروری بر دستاوردهای اندیشه‌ای آن علامه بزرگ، سطح مناسبات استقرا با دیگر منطق‌های معرفت در فرآیند فهم متن، ملحوظ‌نظر باشد و راه را برای گذار از نمونه‌های موضوعی به مدل‌های مفهومی مرجع و شکل‌دهی نظریه‌های مبنا در رفت‌وبرگشت با حیث قیاسی گذار از راه‌حل به مدل در نمونه‌های تفسیری متن به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: منطق استقرا، راهبردهای منطقی، سامان منطق‌ها، فلسفه منطق، تفسیر قرآن، روش‌شناسی تفسیر.

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد).